

واکاوی ترجمه پورعبادی از حکمت‌های رضوی بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن

سید مهدی مسبوق^۱، ابوزر گلزار خجسته^۲

چکیده

“آنتوان برمن” مترجم، نظریه پرداز، فیلسوف و تاریخ‌نگار علم ترجمه است که تحت تأثیر فلسفه، نگاهی نو به مطالعات ترجمه داشت. “برمن” در جایگاه مترجم و نظریه پرداز، توجه ویژه‌ای به متن اصلی دارد و به وفاداری مترجم در ترجمه معتقد است. این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی از نوع انتقادی سامان یافته است ترجمه عباس پورعبادی از حکمت‌های رضوی را بر اساس هفت مؤلفه از عوامل تحریف متن آنتوان برمن شامل عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب کلام، تفاخرگرایی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی و تخریب ضرب‌آهنگ متن، نقد و بررسی کرده است. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که در بین هفت مؤلفه یادشده، اطناب کلام از پربسامدترین عوامل تحریف متن در ترجمه پورعبادی است و این مؤلفه در شفاف‌سازی نیز تأثیر گذاشته و در مواردی شاهد افزایش مؤلفه شفاف‌سازی در ترجمه او هستیم. از جهت انتقال ساختار و محتوا نیز در مجموع، ترجمه‌ای وفادار به متن اصلی ارائه کرده و در سه حوزه غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی و تخریب ضرب‌آهنگ متن، کمترین انحراف را از متن اصلی داشته است.

کلیدواژه‌ها: حکمت‌های رضوی، ترجمه، عباس پورعبادی، آنتوان برمن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۰

۱. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان (نویسنده مسئول)

smm.basu@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

golzar.aboozar@gmail.com

مقدمه

قدمت نقد ترجمه به تاریخ ترجمه نمی‌رسد؛ اما صدها سال از پیدایش آن می‌گذرد. اولین نقدهای ترجمه بیشتر توسط کسانی ارائه شده که خود مؤلف و مترجم بوده‌اند. نویسنده یا مترجم برای بیان دیدگاه‌های خود در باب ترجمه رویکرد خود را الگوی نقد و تحلیل قرار می‌دهد. در عرصه ترجمه و ترجمه‌شناسی، «آنتوان برمن» از جمله کسانی است که تحت تاثیر فلسفه، گونه دیگری از نقد ترجمه را پیش می‌کشد. «نقد ترجمه آن‌گونه که «برمن» ارائه می‌دهد حاصل خوانش و تفکر و بسیار نزدیک به نقد ادبی است. محور دیدگاه ترجمه‌شناسی «برمن»، احترام به متن بیگانه و دیگری است» (احمدی، ۱۳۹۲: ۲).

آنتوان برمن (Antoine Berman) نظریه‌پردازی مبدأگراست که قوم‌مداری، از آن خود ساختن و بیگانه‌زدایی را از مهم‌ترین عوامل گرایش به مبدأگرایی و پیدایش نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه می‌داند. او در این نظریه، مترجم را به وفاداری به متن مبدأ دعوت می‌کند. با کاربست نظریه برمن می‌توان میزان وفاداری مترجم را مورد سنجش قرار داد. «او مجموعه‌ای از عوامل را که باعث ایجاد فرایند بیگانه‌زدایی می‌شود، بر می‌شمرد و از مترجم می‌خواهد که از این تحریف‌ها بپرهیزد و در ترجمه، از جهت سبک و محتوا، به متن مبدأ پایبند باشد» (صفوی، ۱۳۷۱: ۹).

روایات و حکمت‌های رضوی تاکنون به صورت پراکنده یا به صورت دسته‌بندی شده از سوی مترجمان به فارسی ترجمه شده است. آنچه در ترجمه متون دینی مهم و ضروری می‌نماید و معیار سنجش ترجمه چنین متونی قرار می‌گیرد میزان وفاداری به متن اصلی است. بنابراین بررسی ترجمه حکمت‌های رضوی بر اساس الگوی آنتوان برمن از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چرا که میزان وفاداری یا عدم وفاداری مترجم به متن اصلی را نشان می‌دهد. بنابراین پژوهش پیش رو بر آن است که بخش دوم از کتاب حکمت‌های رضوی شامل شناخت معصومین و پیامبران الهی، تألیف محمدجواد مروجی طبسی و ترجمه عباس پورعبادی را به روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد انتقادی بررسی کند تا میزان تعامل

پورعبادی را با هفت مؤلفه مد نظر «برمن» شامل عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب کلام، تفاخرگرایی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی و تخریب ضرب‌آهنگ متن، بسنجد و می‌کوشد تا از این رهگذر به پرسش‌های زیر پاسخ گوید:

۱. از میان هفت مؤلفه یادشده، کدام‌یک نقش بیشتری در تحریف متن مبدأ داشته است؟

۲. میزان وفاداری مترجم به متن اصلی چقدر است؟

پیشینه

درباره نظریه آنتوان برمن پژوهش‌هایی صورت گرفته که از آن جمله است: مقاله «از خود و دیگری و گرایش‌های تحریفی در گفتمان ترجمه‌شناختی آنتوان برمن تا ترجمه‌ناپذیری» نوشته مهرا ن زنده‌بودی (۱۳۹۰) که مفاهیم خود و دیگری را با تکیه بر نظریه آنتوان برمن واکاوی کرده است. مقاله «نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج‌البلاغه بر اساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن» نوشته شهرام دلشاد و همکاران (۱۳۹۴) که ترجمه سید جعفر شهیدی از نهج‌البلاغه را با تکیه بر چهار مؤلفه عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب کلام و آراسته‌سازی نقد و بررسی کرده است. مقاله «بررسی ترجمه داستان تپه‌هایی چون فیل‌های سفید بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن» نوشته محمدرضا صمیمی (۱۳۹۱). نویسنده در این مقاله داستان یادشده را از چهار منظر عقلایی‌سازی، اطناب کلام، تفاخرگرایی و تخریب شبکه معنایی مستتر بررسی انتقادی کرده است. تا آن جا که نگارندگان این سطور جست‌وجو کرده‌اند درباره ترجمه پورعبادی از حکمت‌های رضوی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است و از این منظر این پژوهش کاملاً نو به‌شمار می‌رود.

نگاهی به نظریه آنتوان برمن

آنتوان برمن (۱۹۹۱-۱۹۴۲) مترجم، نظریه‌پرداز، فیلسوف و تاریخ‌نگار علم ترجمه است.

او تحت تاثیر فلسفه رمانتیک آلمانی‌ها و کسانی چون والتر بنیامین (Walter Benjamin)

و هانری مشونیک (Henry Mshvnyk)، گونه‌دیگری از نقد ترجمه را پیش می‌کشد. نقد ترجمه، آن‌گونه که برمن ارائه می‌دهد، حاصل خوانش و تفکر و بسیار نزدیک به نقد ادبی است. محور دیدگاه ترجمه‌شناختی برمن، احترام به متن بیگانه و دیگری است و از این نظر با ارائه نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه»، دیدگاه‌های قوم‌گرایانه و معطوف به زبان مقصد را در کار ترجمه مورد بررسی قرار می‌دهد. وی هرگونه تغییر در سبک نویسنده، ساختار زبان، اطناب کلام یا حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی را از جمله عوامل تحریف متن بر می‌شمارد. این رویکرد از ۱۳ مؤلفه تشکیل شده که عبارتند از: «عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب کلام، تفاخرگرایی، غنایی‌زدایی کمی، غنازدایی کیفی، همگون‌سازی متن، تخریب ضرب‌آهنگ متن، تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن، تخریب یا بومی‌سازی شبکه‌های زبان‌های محلی، تخریب سیستم زبانی و تخریب اصطلاحات» (احمدی، ۱۳۹۲: ۱).

«برمن» بر رویکرد غیر وفادارانه تاخته و از جمله نظریه‌پردازان مبدأگرایی است که با گرایش متداول بومی‌سازی و تقبیح بیگانه‌سازی در فرایند ترجمه به شدت مخالفت کرده است (ماندی، ۱۳۸۹: ۳۲۴). به عقیده او متون ترجمه شده در طول فرایند ترجمه، به گونه‌ای تغییر شکل می‌یابد که اثری از بیگانگی در آن یافت نمی‌شود (همان: ۳۲۵). «برمن» معتقد است که عده‌ای تمایل دارند، ریخت و شکل زبان را تغییر دهند. هدف از این کار که به‌زعم او نوعی نابودی متن اصلی و خدمت به معنا و صورت زیبا در زبان مقصد و خواننده است «یعنی در ترجمه خود، آن قدر در بازنویسی و آفرینش مجدد معنا و فرم، غرق می‌شوند که متن اصلی را به‌کلی به فراموشی می‌سپارند. او این تغییر شکل‌ها را ناشی از عوامل قوم‌مدارانه می‌داند که بر جهت‌گیری مترجم تأثیر می‌گذارد» (صمیمی، ۱۳۹۱: ۴۴).

نقد و تحلیل

در این بخش از مقاله به نقد و بررسی ترجمه پورعبادی از حکمت‌های رضوی بر اساس هفت مؤلفه پیش‌گفته از نظریه برمن می‌پردازیم.

عقلایی سازی

عقلایی سازی به ایجاد تغییر در ساختار نحوی و شیوه علامت گذاری متن مبدأ مربوط می شود. در این مولفه، مترجم با توجه به نظم گفتمان مقصد، جملات و زنجیره جملات را بازتولید و مرتب می کند و به نظم در می آورد. «برمن» معتقد است که نثر از قبیل رمان، رساله و ... به دلیل برخورداری از تکرار، تعدد جملات موصولی و معترضه، جملات بلند و جملات بدون فعل، ساختاری شاخه شاخه دارد و مترجم با عقلایی سازی، این ساختار شاخه شاخه را به ساختار خطی تبدیل می کند. به عنوان مثال، مترجم برای جملاتی که در متن مبدأ بدون فعل هستند، فعل می آورد. جملات بلند را کوتاه می کند و به اصطلاح، جملات را می شکند یا جملات معترضه را جابه جا و یا اضافه و کم می کند. در حقیقت، برمن فرایند عقلایی سازی را تحریفی در متن اصلی قلمداد و آن را رد می کند (ر.ک: مهدی پور، ۱۳۸۹: ۳).

عقلایی سازی مادامی که به بافت اصلی کلام آسیبی نرساند نادرست تلقی نمی شود؛ بنا براین عقلایی سازی به دو نوع تقسیم می شود؛ در نوع اول مترجم به دلیل متداول نبودن ترکیب زبان مبدأ دست به تغییراتی می زند. به عنوان مثال در زبان عربی، ابتدا فعل و سپس فاعل می آید، در صورتی که در زبان فارسی فاعل در آغاز کلام آورده می شود؛ پس مترجم در ترجمه خود، چاره ای جز این کار ندارد مانند ترجمه حکمت ۵۴۶: «إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شِدَّةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَيَّ اللهُ؛ اگر در زندگی دچار سختی و گرفتاری شدید، به وسیله ما از خدا کمک بگیرید» (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۱).

این گونه تغییرات اگرچه بر اساس نظریه برمن تحریف متن به شمار می آید؛ اما مترجم راهی جز این نداشته است. نکته قابل تأمل در این حکمت، ترجمه واژه «إِذَا» است که مترجم آن را به صورت شرطی ترجمه کرده است؛ در حالی که «إِذَا» ظرف متضمن معنای شرط است و باید به صورت (هرگاه) ترجمه شود؛ ولی مترجم از این نکته نحوی غفلت کرده و به متن اصلی بی توجه بوده است. نکته دیگر درباره حکمت یادشده، ترجمه (شِدَّةٌ)

است که در جمله نقش فاعلی دارد و ترجمه باید به گونه‌ای باشد که این نقش را به خوبی نشان دهد؛ در حالی که مترجم با نادیده گرفتن ترجمه دقیق فعل (نَزَلَتْ بِكُمْ) و فاعل (شِدَّةً)، از ترجمه روان و وفادار به متن فاصله گرفته است.

ترجمه پیشنهادی: هرگاه سختی‌ای بر شما فرود آمد، به واسطه ما از خداوند کمک بگیرید. ترجمه حکمت ۵۸۲ نمونه‌ای دیگر از عقلایی سازی است: «مَنْ لَمْ يَكُنْ مِنَّا فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ؛ هر کس همراه ما امامان نباشد جزو جامعه اسلام نخواهد بود» (همان: ۱۹۱).

در عبارت ذکر شده اسم لیس «هو» مستتر و خبر آن «مِنَ الْإِسْلَامِ» است. لیس جزو افعال ناقصه است و مقید به زمان نیست و از آن جا که در جایگاه جواب شرط قرار گرفته بر اساس قواعد نحو عربی ناظر بر آینده خواهد بود و مترجم نیز به درستی آن را به زمان آینده برگردانده است. البته برای این که این شائبه به وجود نیاید که هر کس همراه اهل بیت^(ع) نباشد، اکنون جزو اسلام است و در آینده نخواهد بود بهتر است آن را به زمان حال متصل به آینده یا همان حال کامل استمراری ترجمه کرد.

ترجمه پیشنهادی: هر کس از ما (همراه ما) نباشد، جزو اسلام نیست.

شایان ذکر است، پورعبادی با پیروی از متن مبدأ و توجه به زیبایی‌های صرفی، نحوی و بلاغی، در بیشتر حکمت‌ها به عقلایی سازی توجه کرده و کلام را وفادارانه ترجمه کرده و موصوف و صفت، مضاف و مضاف الیه، ظرف و سایر ساختارها را به همان صورت، ترجمه کرده است. مانند حکمت ۵۹۸:

إِنَّ اللَّهَ قَدْ آتَيْنَا بِرُوحٍ مِنْهُ مُقَدَّسَةً مُطَهَّرَةً لَيْسَتْ بِمَلَكٍ، لَمْ تَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِّنْ مَّضَىٰ إِلَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ، وَ هِيَ مَعَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا تُسَدُّهُمْ وَ تُوقِفُهُمْ وَ هِيَ عَمُودٌ مِّنْ نُورِ بَيْنِنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ خداوند متعال به وسیله روح القدس مطهر که فرشته نیست، ما را از سوی خود تأیید می‌کند که این روح القدس همراه هیچ‌یک از گذشتگان نبوده، مگر با رسول خاتم و این (روح القدس) با ما امامان هست که همواره ما را به راه راست راهنمایی و هدایت می‌کند و توفیق می‌دهد و آن همچون ستونی از نور بین ما و خداوند متعال است.

پورعبادی ساختار استثنا (لَمْ تَكُنْ + إِلا) را به زیبایی ترجمه کرده و همچنین با عنایت کامل به تشبیه موجود در عبارت (هِيَ عَمُودٌ) ترجمه‌ای روان و قابل قبول ارائه کرده و ترجیح داده بر خلاف متن مبدأ تشبیه را از حالت بلیغ خارج کند و ادات تشبیه (همچون) را به متن افزوده است. افزون بر این برای ایجاد ارتباط بهتر با مخاطب ضمیر مفعولی (هم) در افعال (تُسَدِّدُهُمْ) و (تُوفِّقُهُمْ) را به صورت ضمیر متکلم (نا) ترجمه کرده است.

شفاف‌سازی

آنتوان برمن، شفاف‌سازی را یکی از عوامل تحریف متن اصلی می‌داند. شفاف‌سازی بیان‌کننده مسائلی است که در متن مبدأ واضح نبوده یا به تعبیر دیگر، پنهان و سربسته بیان شده و نویسنده قصد آشکار کردن آن‌ها را نداشته است. از آن‌جا که نفس ترجمه با توضیح و تفسیر همراه است، شفاف‌سازی در حوزه کاری مترجمان اغلب از اصول لازم هر ترجمه‌ای محسوب می‌شود (کریمیان و اصلانی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). در حقیقت، شفاف‌سازی، روشنگری در سطح معنایی است، در حالی که عقلایی‌سازی روشنگری در سطح ساختار نحوی بود (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۹). در ادامه نمونه‌هایی از آن را در برگردان حکمت‌های رضوی از نظر می‌گذرانیم. حکمت ۵۵۹:

«الْأَمَانَةُ، الْوَلَايَةُ، مَنْ ادَّعَاهَا بِغَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ كَفَرَ»؛ آن امانتی (را که خداوند در آغاز بر آسمان‌ها و زمین عرضه کرد و هیچ‌کدام نتوانستند بپذیرند و انسان پذیرفت) ولایت بوده است. پس (این امانت رسالت الهی و سنگینی است) هر کس بدون داشتن صلاحیت ادعا کند کفر ورزیده است (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۴).

مسلماً شفاف‌سازی و ترجمه دو جزء لاینفک هستند، تا حدی که هر عمل ترجمه‌ای، قابل شرح است اما در مفهوم منفی، توضیح به منظور شفاف‌سازی، آن‌چه را که نیست و نمی‌خواهد در متن اصلی باشد، هدف قرار می‌دهد (عشقی، ۱۳۹۰: ۶۱). در نمونه ذکرشده، دو روش شفاف‌سازی به چشم می‌خورد. در روش نخست مترجم در پانویس، توضیحی

درباره حکمت رضوی ارائه کرده و با بهره‌گیری از قرآن، امانت را توضیح داده است. در روش دوم، مترجم مفهوم امانت را در ترجمه متن مورد توجه قرار داده و آن را شرح کرده است که از عوامل انحراف متن محسوب می‌شود و در نتیجه، از تاثیرگذاری متن می‌کاهد. ترجمه پیشنهادی: این امانت همان ولایت است که هر کسی بدون حق، ادعای آن را کند کفر ورزیده است.

پورعبادی در جایی دیگر با بهره جستن از مقوله شفاف‌سازی در شرح و تبیین حکمت ۶۶۰ سعی کرده است:

«إِنَّ اللَّهَ أَحْتَجُّ بِعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ وَهُوَ ابْنُ سَنَّتَيْنِ؛ خداوند با (حقیقت) وجود عیسی بن مریم دوساله (با مردم زمانه) احتجاج کرد (و او را معجزه حقیقت و هدایت خلق گردانید) (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۲۱۴).

مترجم در پاورقی در چند سطر به شرح حقانیت حضرت عیسی^(ع) پرداخته و با این کار این فرصت را از خواننده سلب کرده که خود، مفهوم و دلیل حقانیت حضرت عیسی^(ع) را بیابد و تأملی بر آن داشته باشد. افزون بر این در ترجمه خود نیز شرحی مختصر بر حقانیت حضرت عیسی^(ع) آورده و موجب طولانی شدن متن شده است که این نوع تصریح‌سازی بر اساس نظریه آنتوان برمن تحریف متن به‌شمار می‌رود.

ترجمه پیشنهادی: همانا خداوند به عیسی بن مریم که پسری دوساله بود احتجاج کرد.

تطویل یا اطناب کلام

هدف از شفاف‌سازی، ابهام‌زدایی از معناست، اما اطناب، مفصل کردن کلام و اضافاتی است که چیزی به متن نمی‌افزاید و تنها حجم خام متن را افزایش می‌دهد، بی‌آن‌که به بار معنایی و گفتاری متن بیفزاید. هر ترجمه‌ای به این گرایش دارد که از متن اصلی طولانی‌تر باشد و این نتیجه دو گرایش اول است (احمدی، ۱۳۹۲: ۷). پورعبادی مانند بسیاری از مترجمان از مقوله اطناب بهره جسته و در ترجمه حکمت‌های امام رضا^(ع) از این شیوه بسیار

استفاده کرده است. مانند حکمت ۵۵۲:

«الإمامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ لِلْعَالَمِ وَ هِيَ بِالْأَفْقِ بِحَيْثُ لَا تَنَالُهَا أَلْيَدِي وَ الْأَبْصَارُ»؛ امام همچون خورشیدی تابنده برگیستی است که همواره در افق (پدیدار) است، تا اندازه‌ای (بلندمرتبه و کمال دارد) که دست‌ها (و همت کوتاه) و چشم‌ها (نزدیک بین) به آن نمی‌رسند (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۲).

چنان‌که از ترجمه پیداست، مترجم با آوردن شماری از کلمات باعث طولانی و حجیم شدن متن و به اصطلاح سبب تحریف متن شده است. کلمات اضافی مانند پدیدار، بلند مرتبه و کمال، همت کوتاه و نزدیک بین از مواردی است که جزو اطناب کلام به‌شمار می‌رود و مترجم می‌توانست با ترجمه‌ای کوتاه‌تر، متن عربی را ترجمه کند. ترجمه پیشنهادی: امام، خورشید تابناک بر جهان، همواره در افق است و دست‌ها و چشم‌ها به آن نمی‌رسند.

چنان‌که گفته شد پورعبادی از شیوه شفاف‌سازی و اطناب کلام به‌وفور بهره برده است. حکمت ۶۴۹ نیز از آن جمله است:

أَصْبَحْتُ بِأَجَلٍ مَّنْقُوصٍ، وَ عَمَلٍ مَّحْفُوظٍ، وَ الْمَوْتُ فِي رِقَابِنَا، وَ النَّارُ مِنْ وَرَائِنَا، وَ لَا نَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِنَا؛ روزی از حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) پرسیده شد، آقا در چه حالی هستید؟ حضرت امام رضا^(ع) چنین فرمودند: عمر را می‌گذرانم در حالی که (عمرم رو به کاستی است و اجلم) نزدیک می‌گردد اعمالم ثبت می‌شود، مرگ هم برایمان حتمی است و آتش دوزخ در پیش رویمان و نمی‌دانم با ما چه خواهند کرد (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۲۱۱).

در این حکمت مترجم با افزودن عبارت (عمر را می‌گذرانم در حالی که) و عبارت (مرگ هم برای ما حتمی است) وارد مقوله اطناب شده و باعث تحریف و فاصله گرفتن از متن اصلی گشته است.

ترجمه پیشنهادی: با عمری رو به کاستی و عملی ثبت شده و مرگ در برمان و آتش در پیش رویمان است و نمی‌دانیم با ما چه می‌کنند.

تفاخر‌گرایی

«برمن» این گرایش را، گرایشی افلاطونی می‌خواند و آن را نتیجه کار مترجمانی می‌داند که متن مقصد را از لحاظ فرم و شکل، زیباتر از متن اصلی می‌آورند (صمیمی، ۱۳۹۱: ۴۸). او معتقد است این گرایش مربوط به حس زیبایی‌شناختی افرادی می‌شود که معتقدند هر گفتمانی باید گفتمانی زیبا باشد. برمن تفاخر‌گرایی را در نظم، شاعرانه کردن و در حوزه نثر، بلیغ کردن می‌خواند و آن را شامل تولید جملات فاخر با بهره گرفتن از متن اصلی، به عنوان ماده اولیه، تعریف می‌کند. در واقع، برمن کار این مترجمان را بر هم زدن سبک و فرم متن اصلی می‌داند که بدون در نظر داشتن چند و چون متن اصلی، صرفاً برای خوانا، برجسته و فاخر کردن متن مقصد به متن اصلی توجهی نمی‌کنند و دست به بازنویسی و تمرین سبکی از متن اصلی می‌زنند (افضلی، ۱۳۹۵: ۷۴). پورعبادی به‌ندرت از مقوله تفاخر‌گرایی بهره جسته و به فرم عربی پایبند بوده و در حد توان از تعابیر و عبارات ادبی و پرطمطراق دوری کرده است. او در ترجمه حکمت ۶۱۵ از این شیوه استفاده کرده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا وَجَّهَ جَيْشًا فَأَمَّهُمْ أَمِيرًا، بَعَثَ مَعَهُ مِنْ ثِقَاتِهِ مَنْ يَتَجَسَّسَ لَهُ خَبْرَهُ»؛ رسول خدا هنگامی که می‌خواست لشکری را به سوی گسیل کند شخصی را فرمانده آن می‌کرد و برخی از افراد مورد اعتماد را نیز همراه می‌کرد تا محرمانه به وی گزارش او را بدهند (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۲۰۰).

در ترجمه عبارت مزبور تفاخر‌گرایی صورت گرفته است و مترجم «گسیل کردن» را به جای «فرستادن» آورده و از این طریق زیبایی ادبی به ترجمه خود بخشیده است. اما این شیوه ترجمه بر اساس نظریه برمن تحریف متن به‌شمار می‌آید و مترجم در این الگو باید ترجمه‌ای نزدیک به متن اصلی و به دور از تفاخر‌گرایی ارائه دهد. اگرچه برمن تفاخر‌گرایی را تحریف متن اصلی قلمداد می‌کند؛ اما مترجم متون دینی گاه چاره‌ای جز بهره‌گیری از این مقوله ادبی ندارند که پورعبادی نیز از این مقوله مستثنا نیست.

ترجمه پیشنهادی: پیامبر خدا هرگاه قصد داشت لشکری را به جایی بفرستد شخصی را به

فرماندهی آن‌ها می‌گمارد و برخی از افراد مورد اعتماد خویش را همراه آن‌ها می‌فرستاد تا به وی گزارش او را محرمانه بدهند.

غنازدایی کیفی

در الگوی برمن، این نوع تحریف، جایگزین کردن کلمات، اصطلاحات و پیچ و خم جملات با کلمات و اصطلاحاتی است که از لحاظ غنای معنایی، آوایی و طنین کلمات، در سطح واژه مبدأ نیستند. تحریفی که برمن از آن سخن می‌گوید، شاید یکی از سخت‌ترین مسائل موجود در عمل ترجمه و یکی از دشوارترین کارهای هر مترجم باشد. هر زبانی با توجه به ساختار و کلمات و آوهای موجود در آن، کلمات و بازی‌های کلامی ویژه‌ای با بار معنایی و تصویرسازی خاص خود دارد و برگرداندن آن‌ها غالباً بسیار دشوار است. شاید گاهی بتوان با شباهت‌های آوایی آن‌ها مانور داد، اما همواره چنین شانسی وجود ندارد (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۴). از جمله مواردی که می‌توان از آن در ترجمه عبادی‌پور با عنوان غنازدایی کیفی یاد کرد، حکمت ۷۵۰ است:

«إِنِّي وَاللَّهِ لَمَقْتُولٌ بِالسُّمِّ بِاِغْتِيَالٍ مِّنْ يَّعْتَالِنِي، أَعْرِفُ ذَلِكَ بِعَهْدٍ مَّعْهُودٍ إِلَيَّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبَرَهُ جِبْرِئِيلُ عَنِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ بدانید به خدا قسم من با زهر و به‌دست کسی که قصد این را دارد، کشته خواهم شد و این را از پیش‌بینی که از سوی رسول خدا شده، دانسته‌ام؛ او را نیز جبرئیل از سوی رب العالمین خبر کرده بود (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۲۴۳).

در این حکمت، مترجم عبارت «باغتيال من یعتالنی» را «به دست کسی که قصد این را دارد کشته خواهم شد» ترجمه کرده است. به اعتقاد «برمن»، جایگزین کردن عبارات و کلمات با اصطلاحات و کلماتی که از لحاظ غنای معنایی، در خور متن مبدأ نیست، تحریف به‌شمار می‌آید و باعث ارائه تصویر غیردقیق از متن اصلی می‌شود. در معنی اغتیاال گفته شده: «اغتيال الشخص قتله على غفلة منه» (ابن منظور، ۱۳۶۳: ذیل ماده غول) و امروزه معادل ناجوانمردانه به قتل رساندن، ترور کردن و سوء قصد به جان کسی است (آذرنوش، ۱۳۸۹:

ذیل مادهٔ غول) و تفاوت عمده‌ای با کشتن دارد؛ چرا که در ترور، کشتن به صورت ناگهانی و غافلگیرانه صورت می‌گیرد؛ پس مترجم در ترجمه باید به این نکته توجه داشته باشد. ترجمهٔ پیشنهادی: به خدا سوگند من توسط شخصی ناجوانمردانه با زهر کشته می‌شوم. این را از پیش بینی‌ای که رسول خدا در مورد من داشته می‌دانم. پیامبر را نیز، جبرئیل از سوی خداوند جهانیان با خبر ساخته بود.

چنان‌که گفته شد، مترجم باید به طنین کلمات و ضرب‌آهنگ آن‌ها توجه کند و حتی‌الامکان آن را در ترجمهٔ خود منتقل کند. پورعبادی در ترجمهٔ حکمت ۶۹۰ از این نکته غافل نبوده و از آن بهره جسته است:

«مَا لِبَاسِ الْقَائِمِ إِلَّا الْغَلِيظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ»؛ لباس قائم خشن است و غذایش نیز غیر لذیذ بوده (معمولی بوده و برای خیلی‌ها خوشایند نیست) (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۲۲۳).

در این حکمت در کلمهٔ «غَلِيظٌ» نوعی ضرب‌آهنگ کوبنده و با شدت و حدّت وجود دارد؛ زیرا حروف غین و ظاء جزو حروفی هستند که با درشتی تلفظ می‌شوند. مترجم با عنایت به این موضوع معادل «خشن» را به کار برده که بر شدت و سختی دلالت دارد و با واژه غلیظ همسو است. کلمهٔ «الجَشِبُ» نیز دارای طیننی خاص بوده و مترجم معادل «غیر لذیذ» را برای آن آورده که خود نوعی سختی و کراهت را در بر دارد و با متن عربی منطبق است. با این تفصیل در این حکمت مترجم بر اساس نظریهٔ «برمن» عمل کرده و تحریفی در متن مقصد صورت نگرفته است.

پورعبادی در جای دیگر با مهارت ویژه و تسلط کامل بر مضمون و کنایهٔ موجود در حکمت ۶۷۳ ترجمه‌ای روان و همسو با نظریهٔ «برمن» ارائه کرده است:

«إِذَا رُفِعَ عِلْمُكُمْ مَنْ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ»؛ اگر چهره سرشناس‌تان و امام‌تان از بین‌تان گرفته شد پس انتظار فرج او را در میان‌تان داشته باشید (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۲۱۸). هر یک از تعابیر «رُفِعَ عِلْمُكُمْ» و «بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ» و «تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ» به ترتیب به معنی «علم‌تان برداشته شد» و «بین پشت‌تان» و «زیر گام‌هایتان» است که همگی بار معنایی کنایی دارند.

مترجم نیز در ترجمه خود با بهره‌گیری از مقوله غنازدایی کیفی ترجمه‌ای دقیق ارائه کرده است.

غنازدایی کمی

در این نوع تحریف، سخن از هدر رفتن واژگانی است. برمن معتقد است که گاهی برای یک مدلول، چندین دال وجود دارد و انتخاب یک دال به غنازدایی کمی منجر می‌شود (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۴). مانند نمونه زیر در حکمت ۷۳۸:

«یا ابنِ اَبی مَحْمُودٍ، إِذَا أَخَذَ النَّاسُ يَمِينًا وَ شِمَالًا فَالْزَمِ طَرِيفَتَنَا»؛ ای پسر ابو محمود! هرگاه که مردم به چپ و راست گرایش پیدا کردند، تو راه ما را در پیش گیر (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۲۳۸).

در این حکمت رضوی، مترجم در برابر دو واژه «یَمین و شِمَال» معادل‌های «راست و چپ» را آورده و ترکیب معنایی واژگان را به هم ریخته و به کاهش مؤلفه‌های معنایی واژگان دست زده است. واژه یَمین دارای معانی «راست، نیک‌بخت، دست و سوگند خوردن» و واژه شِمَال دارای معانی «چپ، بدفال و بدبخت» است که مترجم تنها یک معادل آن‌ها را آورده که خود نشانه کاهش واژگانی است و بر اساس نظریه «برمن» در ترجمه متن تحریف یا همان غنازدایی کمی صورت گرفته است.

ترجمه پیشنهادی: ای پسر ابو محمود! هرگاه مردم به این سو و آن سو گرایش یافتند تو راه ما را در پیش بگیر.

نمونه‌ای دیگر از غنازدایی کمی را در ترجمه حکمت ۷۷۷ می‌بینیم:

يَا زَيْدُ، إِنَّ شَيْعَتَنَا إِنَّمَا أَبْغَضَهُمُ النَّاسُ، وَ عَادُوهُمْ، وَ اسْتَحَلُّوا دِمَاءَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ لِحَبِّتِهِمْ أَنَا وَ اعْتَقَادِهِمْ لَوْلَا يَتَنَّا؛ ای زید، بدان که مردم با شیعیان ما کینه‌ورزی کردند و با ایشان دشمنی نمودند و خون‌شان را ریختند و اموال‌شان را غارت کردند به این دلیل که دوستدار ما بودند (همان: ۲۵۱).

واژه «شیعه» دارای معانی مختلفی از جمله «شیعه، همراه، یار و گروه» است و واژه

«أَبْغَضَ» به معنای «کینه ورزیدن، دشمنی کردن و تنفر و کراهت داشتن» و واژه «اسْتَحَلَّ» به معنای «حلال دانستن، ریختن و مباح شمردن» است. مترجم برای هر یک از این واژه‌ها تنها یک معنا آورده و ترجمه «اعتقادهم لولایتانا» را اساساً فرو گذاشته است. البته درخور ذکر است، ممکن است یک واژه دارای چندین معنا باشد و ممکن است در یک عبارت چندین واژه با چندین معنای مختلف وجود داشته باشد و اگر نویسنده آوردن تمامی معانی را قصد کند، ترجمه عملاً دچار اختلال خواهد شد؛ بنا براین مترجم باید بهترین معنی را برگزیند؛ گرچه به اعتقاد برمن ترجمه دچار غنازدایی کمی می‌شود و تحریف متن در آن صورت می‌گیرد.

ترجمه پیشنهادی: ای زید، مردم با شیعیان ما کینه‌ورزی نمودند و با آن‌ها دشمنی کردند و به خاطر محبت‌شان به ما، و اعتقاد به ولایت ما خونشان و امولشان را مباح دانستند.

تخریب ضرب‌آهنگ‌های متن

این گرایش عبارت است از تغییر نواخت‌های متنی. این نوع تغییر، مثلاً با هدف قرار دادن علائم نقطه‌گذاری، می‌تواند به نحو قابل توجهی بر ضرب‌آهنگ‌های جمله تاثیر بگذارد (احمدی، ۱۳۹۲: ۹).

مانند حکمت ۷۰۲: «إِنَّ عِيسَىٰ لَمَّا أَرَادَ الْيَهُودُ قَتْلَهُ دَعَا بِحَقِّنَا نَجَا مِنَ الْقَتْلِ فَرَفَعَهُ»؛ هنگامی که برخی یهودیان خواستند حضرت عیسی را بکشند خدا را به ما قسم داد تا دعایش پذیرفته شود. خدا نیز دعایش را پذیرفت و از کشته شدن نجات پیدا کرد و خدا او را به آسمان برد (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۲۲۷).

در این حکمت، رعایت نکردن علائم سجاوندی به آهنگ جمله آسیب رسانده است. حکمت رضوی هیچ نقطه‌ای ندارد؛ اما ترجمه پورعبادی، علاوه بر نقطه، تطویل کلام نیز دارد؛ به این دلیل ترجمه فارسی طولانی‌تر از متن عربی شده هر چند معنی تقریباً انتقال یافته است.

ترجمه پیشنهادی: عیسی^(ع) زمانی که یهودیان خواستند او را بکشند خدا را به ما سوگند داد و از کشته شدن نجات یافت و خدا او را به آسمان برد.

بر اساس نظریه برمن، زمانی که مترجم با اختیار علائم سجاوندی را کم یا زیاد می‌کند، ترجمه دچار خلل خواهد شد، چنان‌که در نمونه پیشین دیدیم. اما پورعبادی، در ترجمه حکمت ۸۰۹ با رعایت ضرب‌آهنگ متن، ترجمه‌ای رسا از حکمت ارائه داده است:

«مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنًا فَبِكَيِّ وَأَبَكَيِّ لَمْ تَبِكْ عَيْنُهُ تَبِكِي الْعُيُونُ»؛ هر که مصیبت‌های وارد شده بر ما را به یاد آورد و بگرید و دیگران را بگریاند در قیامت روزی که همه چشم‌ها گریان است چشمش گریان نخواهد بود (پورعبادی، ۱۳۹۳: ۲۶۱).

چنان‌که از متن عربی پیداست هیچ نقطه و ویرگولی در متن اصلی وجود ندارد و ترجمه فارسی حکمت نیز فاقد علائم سجاوندی است و مترجم دقیقاً در راستای متن عربی گام برداشته است. نکته قابل تأمل دیگر تکرار واژه «بکّی، أبکّی، لم تبک و تبکّی» است که ضرب‌آهنگ خاصی به متن بخشیده است. در مقابل ترجمه فارسی با تکرار واژه‌های «بگرید، بگریاند، گریان و گریان نخواهد بود» همسو با ضرب‌آهنگ متن عربی بوده و ظنین خاصی به ترجمه بخشیده است. می‌توان گفت، ترجمه فارسی در برخی از حکمت‌ها بر اساس نظریه آنتوان برمن حرکت کرده و در برخی مخالف این الگو بوده است.

نتیجه‌گیری

نظریه «آنتوان برمن» در حوزه نقد ترجمه یکی از کارآمدترین نظریه‌ها برای نقد ترجمه متون دینی از جمله حکمت‌های رضوی است؛ چرا که ترجمه متون دینی به عنوان متن حساس، باید تا حد امکان به زبان مبدأ وفادار باشد و مترجم بکوشد متن مبدأ را با کمترین تحریف به زبان مقصد منتقل کند.

بر اساس الگوی آنتوان برمن ترجمه پورعبادی از حکمت‌های رضوی ترجمه‌ای وفادار به متن اصلی است و با تطبیق هفت مورد از عوامل تحریف متن بر ترجمه او شاهد

کم‌شماری این گونه تحریف‌ها در ترجمه‌ او بودیم و می‌توان گفت این ترجمه وفادار به متن اصلی است و در انتقال ساختار و مفاهیم مورد نظر امام موفق عمل کرده است. در بین هفت مؤلفه مد نظر برمن، اطناب‌کلام از پر بسامدترین عوامل تحریف متن در ترجمه پورعبادی از حکمت‌های رضوی است. این مؤلفه در شفاف‌سازی نیز تأثیر گذاشته و در مواردی نیز شاهد افزایش مؤلفه شفاف‌سازی در تحریف متن بودیم. در سه حوزه غنازدایی کیفی، کمی و تخریب ضرب‌آهنگ متن، ترجمه پورعبادی کمترین انحراف از متن را داشته و ترجمه او با نظریه آنتوان برمن همسو است و مترجم توانسته ترجمه‌ای روان و وفادار ارائه کند. فرجام سخن این‌که ترجمه پورعبادی از نظر انتقال ساختار و محتوای متن اصلی، در مجموع ترجمه‌ای وفادار به متن است.

منابع و مأخذ

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۹)، *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*، چاپ دوازدهم، تهران: نی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۶۳)، *لسان العرب*، الطبعة الثانية، قم: ادب الحوزه.
- احمدی، محمد رحیم (۱۳۹۲)، «آنتوان برمن و نظریه گرایش های ریخت شکنانه»، *دوفصلنامه نقد زبان و ادبیات خارجی*، سال ششم، شماره ۱۰، پیاپی ۶۸، بهار و تابستان: ۱۹-۱.
- افضلی، علی و عطیه یوسفی (۱۳۹۵)، «نقد و بررسی ترجمه عربی گلستان سعدی بر اساس نظریه آنتوان برمن»، *مطالعه موردی کتاب الجلستان الفارسی اثر جبرائیل المخلع*، *دوفصلنامه پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، سال ۶، شماره ۱۴، بهار و تابستان: ۸۴-۶۱.
- پورعبادی، عباس (۱۳۹۳)، *حکمت های رضوی*، تألیف: محمدجواد مروجی طبسی، قم: معروف.
- دلشاد، شهرام، مسبوق، سید مهدی و مقصود بخشش (۱۳۹۴)، «نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه بر اساس نظریه گرایش های ریخت شکنانه آنتوان برمن»، *دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ۲، شماره ۴، پاییز و زمستان: ۹۹-۱۲۰.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۱)، *هفت گفتار درباره ترجمه*، چاپ نهم، تهران: مرکز.
- صمیمی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «بررسی ترجمه داستان تپه های چون فیل های سفید بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۶۵ (پیاپی ۱۷۹)، شهریور: ۴۹-۴۴.
- عشقی، فاطمه (۱۳۹۰)، *ترجمه و جزء کلمه یا بیتوته در دور دست*، تهران: نشر قطره.
- کریمیان، فرزانه، اصلانی، منصوره (۱۳۹۰)، «نقش وفاداری به یک نویسنده در ترجم: بررسی مقابله ای ترجمه های قاسم روبین از آثار ماگریت دوراس»، *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*، شماره ۱، شماره سوم: ۱۳۸-۱۲۰.
- ماندی، جرمی (۱۳۸۹)، *درآمدی بر مطالعات ترجمه: نظریه ها و کاربردها*، ترجمه الهه ستوده نما و فریده حق بین، تهران: نشر علم.
- مهدی پور، فاطمه (۱۳۸۹)، «نظری بر روند پیدایش نظریه های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۴۱ (پیاپی ۱۵۵)، شهریور: ۷۳-۵۷.

